

«مدارا» در اندیشه رام موهن روی و ابوالکلام آزاد^۱

محمودرضا اسفندیار^۲

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری.

چکیده

مدارا و همزیستی دوستانه با پیروان ادیان و مکاتب دیگر از ویژگی‌های بارز فرهنگ هندی به شمار می‌رود. عنصر مدارا حاصل ژرف اندیشی در باطن هستی و درک حقیقت ادیان است و از این روست که عارفان و حکیمان هندو، و صوفیان مسلمان این سرزمین پیشتاز این منش متعالی بوده‌اند. علاوه بر این، پادشاهان مغولی هند به جز چند استثناء، بر این راه و روش سلوک می‌کردند و اکبرشاه امپراطور خردمند، بهترین نمونه مدارا و تساهل با پیروان ادیان مختلف است. در دوران جدید نهضت برهوسماج و بنیانگذار آن، یعنی رام موهن روی، بر اصل مدارا و اهمیت آن انگشت تأکید نهادند. مدارا در اندیشه مولانا ابوالکلام آزاد را نیز باید ادامه همین سنت دانست و اهمیت این مفهوم را در منظومه فکری او به عنوان یک عالم برجسته مسلمان مورد توجه قرار داد.

کلید واژه‌ها

مدارا، فرهنگ هندی، اکبر، رام موهن روی، ابوالکلام آزاد.

۱. تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۰

۲. پست الکترونیک: mresfandiar@gmail.com

مقدمه

هند سرزمین شگفتی هاست، سرزمین اندیشه‌های بزرگ، روح‌های بلند، فلسفه‌های ژرف.... . هند رنگین کمانی است از گونه گونی، تنوع و تکثر. گلستانی را می‌ماند با گل‌های رنگارنگ. با همه اینها روحی یکپارچه دارد که همه این چند گونگی‌ها را در آغوش مهربان و گشاده خود آرام داده است.

مفهوم و مصداق مدارا را شاید بیش از هر جای دیگر در هند می‌توان به نظاره نشست. روح هندی مداراجو و اهل رواداری است. تاریخ بلند و پرفراز و نشیب این سرزمین چون پیری خردمند هندیان را صبر و صلابت و تحمل آموخته است. گویی این سخن نغز و لطیف خواجه شعر و شهود و شیدایی، حافظ شیرازی مناسبت تام و تمامی با این مقام دارد: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت با دشمنان مدارا^۱ جهان بحران زده امروز ما که در آتش تعصب، افراطی‌گری و خودخواهی می‌سوزد، بیش از هر زمان دیگر نیازمند «مدارا» و «رواداری» با دیگری است. جهالت بشر گویی پایانی ندارد و خیره‌سرانه و کوردلانه در بیابان بی‌سرانجام خودرایی و خودپرستی جان می‌فرساید. ژرف اندیشان و روشن ضمیران، مشفقانه کوشیده‌اند و می‌کوشند تا در این مغاک تاریک استبداد رأی که ساحت درونی و عرصه اجتماعی حیات بشری را فراگرفته است، روزنی بگشایند. باشد که نور و گرمی آتش مقدس عشق و دانایی بتراود و شهد شهود در جان تلخکامان حرمان زده، شیرینی شعور بنشانند. هند در این میان می‌تواند همچنان الهام بخش باشد و به قول اندیشمند فقید هندی رادهاکریشنن، هند برای بشر امروز درسهای زیادی دارد.^۲

۱. سابقه تاریخی مفهوم مدارا در فرهنگ هند

«مدارا» معنایی گسترده دارد. از رابطه دو انسان تا دو یا چند فرهنگ، مذهب و قوم را در بر می‌گیرد. در این مقال بیشتر مدارا در روابط میان فرهنگ‌ها و به‌ویژه ادیان گوناگون مورد نظر است. بر این اساس باید گفت که مدارا اصولاً در جامعه چند صدایی با تنوع فرهنگی و

۱. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، دیوان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی علیشاه،

۱۳۷۲ش، ص ۸.

۲. جهانگللو، رامین، روح هند، ترجمه حسین فراستخواه و زهرا قیاسی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۱.

دینی برجسته می‌شود. هند از دیرباز چنین وضعی داشته است و این مدعا نیاز به اثبات ندارد که این سرزمین از بیشترین تنوع فرهنگی، مذهبی و دینی در جهان برخوردار است. تعالیم ودانته - که مبتنی بر اندیشه‌های ناب اوپه‌نیشدی است، آیین بودا و جین که در واقع واکنشی به فرمالیسم دینی برهمنان بود، همگی به عالی‌ترین مفهوم، مدارا را پرورده و عرضه داشته‌اند. از این میان تعالیم اوپه‌نیشدی همچنان در فرهنگ هند حضوری چشمگیر داشته و منبع الهام اندیشه‌گران و عارفان مدارا جوی هندی بوده است. با ورود طریقه‌های تصوف به این سرزمین، مفهوم مدارا بسط بیشتری یافت. صوفیان مسلمان با نگاه جوهری به حقیقت دین، راه گفتگوی موثر و همدلانه بنیادینی با اندیشه‌های معنوی هند را گشودند و بدین ترتیب به بالندگی فرهنگی این سرزمین مدد رساندند. ظهور شخصیت‌هایی مانند کبیر که وحدت جوهری اسلام و آیین هندو را تبلیغ می‌کرد و هر یک از دو طرف او را از خود می‌دانست، محصول آمیزش این دو رودخانه خروشان معنویت بود.^۱ پرواضح است که چنین حرکت‌هایی عالی‌ترین شکل مدارا با دیگری را عرضه می‌داشت.

۲. دین الهی یا مکتب صلح کل اکبر

حکومت مغولان مسلمان در هند بی‌شک یکی از درخشان‌ترین فصول کتاب تاریخ هند به شمار می‌رود. امپراطوران این دودمان اغلب بر مدار مدارا حکومت می‌راندند. بابر، بنیان‌گذار این سلسله، هیچ‌گاه مسلمانی خود را با باورهای مردم هندوی مذهب تحت سلطه خویش در تعارض نمی‌دید. او بر خلاف سلطان محمود که به بهانه غزا هر از چند گاهی دست تطاول و چپاول در هند ثروتمند می‌گشود و از این طریق، شهوت سیری‌ناپذیر حرص و طمع خود را التیام می‌داد، دستور تخریب هیچ معبدی را صادر نکرد. او با اشاره به تنوع مذاهب در هند، وارث خود یعنی همایون را به شکر نعمت حکومت بر این سرزمین و پرهیز از هرگونه تعصب و بی‌عدالتی فراخواند و او را به پیش گرفتن سنت مدارا با پیروان ادیان و مذاهب موجود دعوت کرد.^۲ اگر چه این توصیه‌ها بیشتر حاکی از تدبیر سیاسی

1. Vaudeville, C. "Kabir", *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New York, 1987, vol., p.227.

۲. شیخ عطار، علی رضا، دین و سیاست: مورد هند، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۹.

برای حکومت در سرزمینی با این تنوع دینی و مذهبی بود، اما به نوبه خود بر منش والا و خردمندی جبلی این حاکمان دلالت می‌کند.

نقطه اوج این سلسله حکومت اکبر بود که بی‌تردید باید او را یکی از بزرگترین امپراطوران همه تاریخ هند دانست. کوشش‌های او معطوف به بسط قدرت سیاسی خود و در نهایت، استقرار یک حکومت یکپارچه و ملی در تمام سرزمین پهناور هندوستان بود.

او برای نیل به این مقصود در کنار فعالیت‌های نظامی و سیاسی، روش مدارا با پیروان ادیان گوناگون به‌ویژه هندوان را در پیش گرفت. وی ساعت‌ها با عالمان ادیان مختلف اعم از زردشتی، مسیحی و هندویی گفتگو می‌کرد. همچنین دستور داد بسیاری از متون اصلی هندویی به فارسی ترجمه شود، تا بتواند از محتوای آنها آگاهی یابد. او به حد کمال مدارا و صلح‌جویی با پیروان ادیان و مذاهب مختلف را به نمایش گذاشت. روش او موجب خشم عالمان متعصب مسلمان شد، اما نفوذ شخصیت و البته قدرت بلامنازع او مجالی برای عرض اندام به آنها نمی‌داد. اکبر با پیروی از این سنت به اوج محبوبیت در میان هندوها، مسلمانان و پیروان دیگر ادیان و مذاهب مانند زردشتیان و مسیحیان دست یافت.

نیک‌اندیشی، خردمندی و تدبیر سیاسی و بلند نظری جبلی او را بر آن داشت تا با ارائه مکتبی که خود حاصل ترکیب ادیان گوناگون به‌ویژه اسلام و آیین هندو بود، برای همیشه اختلاف دینی را که در موارد زیادی به خشونت و خونریزی می‌انجامید، از میان بردارد.

اکبر این آیین نو را که بر صلح کل مبتنی بود، «دین الهی» نامید. اگر چه او در مقام بانی و مبدع این مکتب بختیار نبود، اما با ارائه الگوی رفتاری مبتنی بر مدارا و مهربانی با پیروان ادیان و عقاید گوناگون در سرزمین پهناوری چون هندوستان با این تنوع فرهنگی، در حافظه تاریخ جاودانه شد.^۱

جانشینان اکبر، یعنی جهانگیر و شاه جهان نیز تا حدودی سنت او را تداوم بخشیدند، اما آنگاه که نوبت به اورنگ زیب رسید، این منش متروک شد. او مسلمانی متعصب و

۱. نهرو، جواهر لعل، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ش، ج ۱، صص ۲۴۹-۴۳۱؛ دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ع. پاشایی، تهران، انتشارات علمی- فرهنگی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، صص ۵۳۸-۵۴۱؛ نیز:

Embree, Ainslie, "Akbar", *Encyclopedia of Religion*, ed. M.Elide, New York, 1987, vol. , p.196.

قشری بود و بر این اساس مدارا و تساهل با پیروان عقاید و ادیان دیگر را بر نمی‌تابید. روش او به تضعیف و در نهایت انحطاط حکومت مغولان انجامید.

۳. رام موهن روی

شخصیت منحصر به فرد، روشن بین و فرزانه‌ای که بنیانگذار اصلی حرکت اصلاحی برهمو- سماج به‌شمار می‌رود، رام موهن روی نام دارد. او و همفکرانش مانند پدر تاگور، شاعر و حکیم بزرگ هندی، در سال ۱۸۲۸م این نهضت را بنیان نهادند. این نهضت در پی ایجاد اصلاحات در آیین هندو و جامعه هند بود. روی برای نیل به مقصود خود به مطالعات گسترده‌ای دست زد. وی زبان سنسکریت را برای درک متون مقدس هندویی، زبان پالی را برای فهم متون بودایی، و عربی و فارسی را برای آشنایی با قرآن و فرهنگ اسلامی، عبری را برای تحقیق در عهد عتیق و یونانی را برای درک و شناخت عهدجدید فرا گرفت. در کنار همه اینها، او انگلیسی را نیز به خوبی می‌دانست.^۱

روی را باید احیاگر سنت مدارا و تعامل همدلانه ادیان و فرهنگ‌ها در دوره جدید به‌شمار آورد. وی در کنار مبارزه با بعضی اعتقادات هندویی (مانند چندگانه پرستی، نظام طبقاتی، ازدواج در خردسالی و مستی) که به گمان او نادرست و منافی کرامت انسانی بود، کوشید تا مانند اکبر آیین نویی عرضه کند که همگان را به کار آید و مرزبندی‌ها و فرقه‌گرایی‌های دشمنی‌برانگیز را فیصله دهد. با اینکه این جنبش نیز سرانجام رو به خاموشی گذاشت، اما در تقویت و بسط فرهنگ مدارا توفیق فراوانی به دست آورد. چنانکه بر حرکت‌های اجتماعی و شخصیت‌های جریان ساز هند جدید موثر واقع شد.^۲

تاگور در پاسخ به رومن رولان که از او درباره پیام شرق برای غرب پرسیده بود، با اشاره به شخصیت برجسته و موثر رام موهن روی چنین می‌گوید:

«او انسانی با ذهن و اندیشه فراگیر و جهانی در قرن نوزدهم بود و دل‌مشغولی عمیق به حقیقت داشت. در یک خانواده سنتی هندو به دنیا آمده بود، اما همه قیدهای خرافه و قشرگرایی را گسست و به بررسی آیین‌ها و ادیان مختلف جهان پرداخت. او به تحقیق

1. Haberman, David L., "Roy, Ram Mohan", *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Elide, New York, 1987, vol. , p.480.

2. Hopkins, Thomas J., "Brahmo Samay", *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Elide, New York, 1987, vol. , p.300.

دریافته بود که رشته وحدتی معنوی کل بشریت را به هم پیوند می‌دهد و هدف دین آن است که انسان‌ها را به آن وحدت و یگانگی بنیادین در روابط انسانی برساند.»

روی درباره وحدت گوهری ادیان کتابی مختصر اما بسیار مهم به فارسی نوشت و آن را *تحفه الموحدین* نامید. مراد مؤلف از عنوان این رساله کاملاً معلوم است. روی در این رساله در تشریح علل تعصب دینداران می‌گوید:

«عموماً معتقدان به یک دین تحت تأثیر تربیت و جامعه خود قرار می‌گیرند و کاملاً طبق هنجارهای اقتصادی و فرهنگی اجتماع خود رشد می‌کنند و بر همین اساس گمان می‌برند که حقیقت در انحصار آنهاست و همه ملل و نحل دیگر باطل‌اند. اگر کسی در چنین جامعه‌ای که مبتنی بر انحصارگرایی دینی است، بخواهد سخنی بر خلاف آنچه غالب است بگوید به بدبینی و انحراف متهم می‌شود و چه بسا جانش به خطر بیفتد»^۱

روی در ادامه می‌گوید:

«در صورتیکه احدی صاحب ذهن سلیم، قبل از اختیار مذهب یا بعد قبول آن با پاسداری به حقایق اصول و فروع مسائل مقررّه اقوام مختلف به نظر انصاف تفتیشی نماید، رجای واثق است که قادر بر تمییز حق از باطل و مقدمات صوادق از اخبار کواذب خواهد شد.»^۲

روی می‌کوشد که پیروان ادیان گوناگون را قانع کند دست از تکفیر یکدیگر بردارند و به آن حقیقت ازلی که در دل هر یک از این دین‌ها موجود است، اما در زیر رسوب خرافه و جهل مدفون مانده، بازگردند، زیرا در این صورت می‌بینند که همه در پی یک حقیقت‌اند. او با نقل بیت زیر تأکید می‌کند که از تعصبات دینی و قشرگرایی مشایخ شریعت باید دوری گزید و در خدمت به خلق و شفقت بر آنان کوشید:

چندین فنون شیخ نیرزد به نیم خس راحت به دل رسان که همین مشرب است و بس^۳
او این رساله را با نقل بیت زیبای حافظ که در مذمت آزدن دیگران و تأکید بر مهربانی و مدارا با آدمیان است به پایان می‌برد.^۱

۱. روی، رام موهن، *تحفه الموحدین*، کلکته، ۱۸۵۹م، صص ۶-۸.

۲. همو، صص ۸-۹.

۳. همو، ص ۲۸.

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در طریقت ما غیر از این گناهی نیست^۲

۴. مولانا ابوالکلام آزاد

متفکر بزرگ مسلمان، مولانا آزاد از هرگونه توصیفی، به‌ویژه در این مجال اندک بی‌نیاز است. بر این اساس، می‌کوشم تنها به‌طور گذرا جایگاه مدارا در منظومه فکری او را از نظر بگذرانم. پر واضح است که شخصیت تأثیرگذاری که از دوستان نزدیک گاندی بزرگ و از رهبران نهضت عدم خشونت در استقلال هند بوده است، چگونه می‌اندیشد و چه نظری دربارهٔ همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان دارد. نقش مهم و برجسته او در استقلال هند، در کنار جایگاه والایش در تفکر اسلامی به عنوان یک عالم مسلمان و مساعی فراوانی که برای جلوگیری از دو پاره شدن هویت ملی هند مبذول داشت، به حق او را به یکی از مهمترین شخصیت‌های هند در قرن اخیر بدل کرده است.

روشن‌بینی، وسعت مشرب و حدت ذهن مولانا آزاد موجب شده بود که بتواند منادی وحدت هندوها و مسلمانان باشد. اتحاد هندوها و مسلمانان در هند برای نجات هند از دست استعمار ضروری بود، مولانا برای این منظور با جدا کردن «شریعت» از «دین» و ظواهر و پوسته‌های دین از حقیقت آن، در مسیر نیل به نوعی «وحدت دینی» کوشش فراوانی کرد. شاید او در این مسیر راه روشن صوفیان و عارفان مسلمان را الگوی خود قرار داده بود، چرا که پدرش از صوفیان به شمار می‌رفت و آزاد نیز تربیت عرفانی یافته بود. آزاد در نطق خود در سال ۱۹۲۳ در «کنگره ملی هند» گفت:

«اگر امروز فرشته‌ای از آسمان نازل شود و از بالای قطب منار اعلام کند که هند ظرف ۲۴ ساعت به آزادی خواهد رسید، به شرط اینکه از وحدت هندوها و مسلمانان دست بکشید، من ترجیح می‌دهم از آزادی هند دست بکشم تا وحدت هندوها و مسلمانان. زیرا تأخیر در رسیدن به آزادی برای هند زیانبار است، ولی اگر ما وحدت‌مان را از دست بدهیم، این مسأله برای بشریت زیانبار خواهد بود».^۳

۱. همو، ص ۲۹.

۲. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، ص ۱۰۷.

۳. حسینی اسفید واجانی، سیدمهدی، «ترجمان القرآن»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال چهارم، شماره ۳،

تهران، ۱۳۸۸ش، ص ۲۲.

آزاد از اختلافات فرقه‌های مسلمان نیز آزرده خاطر بود و می‌دید که باید در کلیه باورهای سنتی خود تجدید نظر کند. گویا انتخاب نام «آزاد» برای نام فامیل خود از همین جا آغاز شد. وی در توضیح شرح حال خود در آغاز یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد:

«چیزی که مرا رنج می‌داد مشاهده اختلافات فراوان فرقه‌های گوناگون مسلمان بود. نمی‌توانستم بفهمم اینان که همگی ادعای دریافت الهام از یک منبع را دارند، چرا باید تا این اندازه اختلاف داشته باشند. و دیگر نمی‌توانستم با آن اطمینان قاطعی که هر یک از این دسته‌ها دیگری را کافر و ملحد می‌شمرد راضی باشم. وقتی این اختلاف را بین فرقه‌های مختلف و متعصب مذهبی دیدم، درباره خود مذهب به شک و تردید افتادم. اگر مذهب مبشر یک حقیقت جهانی است، پس این همه اختلاف و کینه‌توزی مابین پیروان گوناگون مذاهب مختلف چیست؟ و چرا هر مذهبی باید خود را تنها وسیله نیل به حقیقت انگارد و باقی را ضاله شمارد؟ دو سه سال این نارضایی را در خود احساس می‌کردم و امیدوار بودم تا راه حلی برای از بین بردن این شکایات بدست آورم. از مرحله‌ای به مرحله‌ای رفتم و بالاخره به جایی رسیدم که زنجیرهای عادات و تربیت قدیمی که بر دست و پای من بسته بود از هم گسیخته شدند. از زنجیر عادات آزاد شدم. مصمم شدم تا راه خود را بیابم. در این اوان بود که تخلص "آزاد" را بدان معنی که دیگر بستگی به عقاید اجدادی ندارم برگزیدم»^۱.

آزاد درباره آزادی و اهمیت آن، سخن زیبا و تأثیرگذاری دارد:

«سخت معتقدم که آزادی، حق مسلم هر فرد و هر ملت است و هیچ بشر یا دیوان‌سالاری ساخته دست او حق ندارد آفریدگان خداوند را در بندگی نگاه دارد. از این رو، من دولت فعلی را بر حق و مشروع نمی‌شناسم و وظیفه ملی، دینی و انسانی خود می‌دانم که ملت و کشورم را از بندگی برهانم».

اسلام آزاد، آزادی خواهانه و بشردوستانه بود. او انسان‌گرایی اسلام را جدی می‌گرفت^۲ و با الهام از دیدگاه‌های عرفانی روح مدارا و تساهل را تبلیغ می‌کرد. وی میان اسلام و

۱. آزاد، مولانا ابوالکلام، هند آزادی گرفت، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی،

۱۳۸۸ش، صص ۱۳-۱۴.

2. Cantwell Smith, W., *Modern Islam in India*, London, 1946, p.128.

دل بستگی به سرزمین‌های اسلامی از یک سو و ناسیونالیسم هندی از سوی دیگر، تضادی نمی‌دید و بر این بنیاد بود که با ایجاد کشور پاکستان مخالف بود و درباره نام پاکستان می‌گفت:

«تقسیم جهان به دو بخش پاکان و ناپاکان بر خلاف دین و روح واقعی اسلام است.»^۱ بی‌دلیل نبود که مخالفان آزاد، به‌ویژه مسلمانان قشری و متعصب او را متهم می‌کردند که دنباله روی رام موهن روی است و می‌خواهد برهموسماج دیگری راه بیندازد.^۲ پایبندی مولانا آزاد به عدم خشونت، ریشه عمیقی در فهم او از حقیقت دارد. او می‌نویسد:

«نبوغ هندی همواره دریافته است که حقیقت، ابعاد و جوانب بسیار دارد و نزاع و کینه زمانی آغاز می‌شود که انسان‌ها دعوی انحصار حقیقت و فضیلت کنند.» او به همین نحو گاندی و تاگور را به سبب اظهار علنی اعتقاداتشان در زمینه وحدت بشر تحسین می‌کرد. آزاد در ترجمان القرآن می‌نویسد: «وحدت بشر نخستین هدف دین است. پیامی که تمام رسل و انبیاء آورده‌اند، این بوده که بشریت در حقیقت یک قوم و یک قبیله‌اند، و از این رو، برای همه تنها یک خدا وجود دارد و به این دلیل همه باید همراه با هم به خدا خدمت کنند و همچون اعضای یک خانواده زندگی کنند.»

قرائت «نرم» آزاد از قرآن با نقد تیز او به آنچه که او آن را «مرض تنگ نظری» می‌نامد، کامل می‌شود، که به‌ویژه در طرز فکر دینی رایج است و به زعم او هر جا که ظاهر می‌شود «به صورت ایمان کورکورانه» است. بهترین مثال برای اسلام مداراجو و خشونت پرهیز آزاد را می‌توان در تأملات او درباره زندگی و شعر صوفی سرمد، شهید اسرارآمیز، که در دوران سلطنت اورنگ زیب می‌زیست یافت. آزاد در توضیح درباره علمایی که حکم دادند سرمد به سبب کفر گناهکار و سزاوار مجازات اعدام است، می‌نویسد: «آنها فتوی به کفر می‌دهند، و بر کف مدرسه و مسجدشان ایستاده‌اند، ممکن است بپندارند که بر "اریکه" ای بسیار مرتفع تکیه زده‌اند؛ با این حال سرمد بر مناره عشق ایستاده بود، که از فراز آن‌ها دیوارهای کعبه و معبد به یک ارتفاع دیده می‌شود، جایی که پرچم‌های ایمان و کفر با همدیگر در

۱. آزاد، مولانا ابوالکلام، ص ۱۹۶.

۲. حسینی اسفیدواجانی، سیدمهدی، ص ۲۳.

اهتزاززند.» چنین نگرشی برای آزاد جدید نبود. تأکید او در زندگی و تفکرش بر همزیستی ادیان بود. او این تأکید را نه تنها برای وضعیت خاص اسلام در جهان، بلکه برای تمام مومنان به طور کلی، به کار می‌برد. چنان که ذاکر حسین زمانی در گرامیداشت آزاد گفت:

«بزرگترین خدمتی که مولانا انجام داد این بود که به مردم تمام ادیان آموخت که دین دارای دو جنبه است. یکی متفرق می‌کند و کینه می‌آفریند. این جنبه خطاست. دیگری، [یعنی] روح حقیقی دین، مردم را جمع می‌کند، تفاهم می‌آفریند و در روح خدمت و فدا کردن خود برای دیگران نهفته است و متضمن اعتقاد به وحدت است؛ وحدت ذاتی اشیاء.^۱

نتیجه‌گیری

اندیشه مدارا یکی از از مهمترین ضرورت‌های حیات بشری است، چرا که تنوع و تفاوت‌های دینی- مذهبی، نژادی و فرهنگی از زندگی آدمی هیچ‌گاه جدا نبوده و همواره برافروختن آتش نزاع و درگیری را موجب می‌شده است. سرزمین هند که از جمله متنوع‌ترین جوامع بشری از حیث فرهنگی و دینی بوده است، در مدارا و رواداری نیز از نمونه‌های بسیار برجسته و ممتاز به شمار می‌رود. این موضوع ریشه در اندیشه عمیق و روح ژرف هندی دارد. تعالیم بلند ادیان هندی از آیین هندو و بودا تا نهضت‌های اصلاحی دینی در قرون جدید به مدارا با پیروان دیگر ادیان و فرهنگ‌ها توجه خاص داشته‌اند. اندیشه‌های ژرف اوپنیشدی یکی از منابع اندیشه مدارا بوده است. روح تصوف و عرفان اسلامی نیز به این مقصود مدد رسانده است. از این رو می‌توان دو شخصیت برجسته و مصلح، یعنی رام موهن روی و مولانا ابوالکلام آزاد را رسولان اندیشه رواداری و مدارا دانست و به‌رغم پیروی آنها از دو دین مجزا، یعنی آیین هندو و اسلام، می‌توان شباهت‌های فراوانی در رویکرد آنها به دین خود پیدا کرد. هر دوی آنها کوشیدند پیام اصلی دین‌ورزی را که همانا دست‌یابی به حقیقت و پرهیز از خشونت و درک واقعیت و الزامات زندگی نوین بشری بود به خوبی دریابند و از اینجا بود که به مفهوم مدارا تا این اندازه اهمیت داده‌اند و به همین خاطر هر دو آماج طعن و تندلی هم‌کیشان قشری و متعصب خود قرار گرفتند.

منابع

- آزاد، مولانا ابوالکلام، هند آزادی گرفت، ترجمه امیر فریدون گرکانی، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۲ش.
- جهاننگلو، رامین، روح هند، ترجمه حسین فراستخواه و زهرا قیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹ش.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، دیوان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۲ش.
- حسینی اسفیدواجانی، سیدمهدی، "ترجمان القرآن"، اطلاعات حکمت و معرفت، سال چهارم، شماره ۳، تهران، ۱۳۸۸.
- روی، رام موهن، تحفة الموحدين، کلکته، ۱۸۵۹م.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ع. پاشایی، ج ۱، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۷۰ش.
- شیخ عطار، علی رضا، دین و سیاست: مورد هند، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱ش.
- نهرو، جواهر لعل، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ش.
- Cantwell, Smith W., *Modern Islam in India*, London, 1946.
- Embree, A., «Akbar», *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, U.S.A, 1987.
- Haberman, D. L., «Roy, Ram Mohan», *Encyclopedia of Religion*, ed. by. M. Eliade, New York, 1987.
- Hopkins, T. j., «Brahmo Samaj», *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New York, 1987.
- Vaudeville, c., «Kabir», *Encyclopedia of Religion*, ed. M. Eliade, New York, 1987.